

درس عزّت

الهی کفی بی عزّاً أن اُکون لک عبداً
و کفی بی فخراً أن تکون لی ربّاً.

درس عزّت

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| فاتح دل ها علی مرتضی | درس عزّت گیر از شیر خدا |
| این که باشی تو مرا پروردگار | گفت یا رب بس بود این افتخار |
| بس که بنمایم برایت بندگی | نیز این عزّت مرا در زندگی |
| کی به دوران خود فروشی پیش کرد | آنکه حق را کردگار خویش کرد |
| کی دگر پیشانی ذلت بسود | وان که خود را بنده ایزد نمود |
| جز برای حق بود درماندگی | سر نمودن خم ، ز بهر بندگی |
| غیر راه حق رهی دیگر مپوی | غیر الله یاوری دیگر مجوی |
| تا که باشی کامیاب و رستگار | باش چون کوهی قوی و استوار |

شعر از : ابراهیم حنیف نیا